

درس ۴: کنش اجتماعی

مقدمه:

این درس هم ادامه درس قبله و می‌خواهد بیشتر در مورد رویکرد تبیینی صحبت کند و اون رو به نقد بکشد. برای اینکه بتونه خوب حال رویکرد تبیینی رو بگیره، اولش یه سری مقدمه می‌چینه. جریان اینه که می‌گه مهم‌ترین موضوع، کنش اجتماعی است و ساختار اجتماعی هم تابع کنش اجتماعی. بعد می‌گه کنش اجتماعی که مهم‌ترین موضوعه، یه سری ویژگی داره که رویکرد تبیینی به هیچ‌کدوم توجه نمی‌کنه و این توجه نکردن باعث مشکلات زیادی شده.

این درس چهارمه دیگه. حتماً تا حالا فهمیدید که نویسنده‌های این کتاب، خیلی به مثالی طولانی علاقه دارن. اینجا هم همین‌طور. مخصوصاً توو نیمه اول درس یه سری مثال‌های تپل داره که باید زود منظور رو بگیری و سریع ازش عبور کنی. توو نیمه اول مطلب خیلی جدیدی نداریم. اگه کسی کتاب پایه دهم رو یادش باشه، اغلب اینا رو بلده و مشکلی نیست. اما از اونجایی که پیامدهای نادیده گرفتن کنش اجتماعی شروع میشه، درس سخت‌تر میشه. سه مورد کلی داره که باید سعی کنی توو هر مورد، دو سه تا جمله کلیدی رو بکشی بیرون و درگیر جملات طولانی نشی. ولی تو رو خدا اگه دیدی بعضی جاهاش دشواره، ازش عبور نکن و حتماً سعی کن بفهمیش. تا نفهمیدی ازش رد نشو چون میتونه مشکل‌ساز بشه.

۱- جنگ نامنظم

جنگ‌ها دو نوع هستند. یک نوع، جنگ نظامی که منظم است و دیگری جنگ نامنظم است. جنگ نامنظم چند ویژگی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد:

- ۱ مبتنی بر آگاهی فرهنگی و جغرافیایی سربازان محلی است.
- ۲ می‌تواند با امکانات کم، در مقابل دشمنان زیادی بایستد.
- ۳ نقشه از پیش طراحی‌شده‌ای وجود ندارد.
- ۴ فعالیت رزمندگان بر اساس موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی است.

- ۵ رزمندگان از نظم فراتر می‌روند و ارزش‌ها و معانی پیوند می‌خورند.
- ۶ انگیزه‌های اخلاقی و آرمان‌های معنوی، منجر به فراتر رفتن از نظم می‌شود.

نکته اصلی جنگ‌های نامنظم، پیوند خوردن با ارزش‌ها و معانی است و اینکه افراد از نظم موجود فراتر می‌روند.

آگاهی فرهنگی و جغرافیایی

امکانات کم

بدون نقشه

بر اساس موقعیت فرهنگی و جغرافیایی

پیوند با ارزش‌ها و معانی

انگیزه‌های اخلاقی و آرمان‌های معنوی



مختار از نمایش «سبز، سفید، سرخ»

درس چهارم کنش اجتماعی



در اواخر سال ۱۳۹۲ ه.ش. داعش یک روزه موصل، مرکز استان نینوا را با جمعیتی بالغ بر ۴۷۰۰/۰۰۰ نفر اشغال کرد و آن را پایتخت حکومت خود اعلام نمود. سپس با ارتشی در حدود ۲۰۰ هزار نفر به سوی استان صلاح‌الدین هجوم برد و پس از مدت کوتاهی تقریباً تمام این استان را نیز تصرف کرد. پس از آن، در تدارک جشن پیروزی بود که خبر رسید یکی از شهرهای کوچک این استان به نام آمرلی با ۲۰ هزار نفر جمعیت، مقاومت می‌کند. داعش آب و برق این شهر را قطع کرد و مسیرهای ارسال غذا و دارو به شهر را پست اما مردم آمرلی می‌خواستند با تکیه بر ظرفیت‌های بومی و فرهنگی خود و برخلاف نظم و نظریات معمول در برابر ۲۰۰ هزار داعشی بایستند. آنها با کمترین نیرو و امکانات نظامی، ۸۰ روز مقاومت کردند تا اینکه در نهایت گروه‌های مقاومت عراق، خود را به آمرلی رساندند و حصر آن شهر شکسته شد. الگوی مقاومت آمرلی، نظامی نبود بلکه کاملاً فرهنگی بود. مردم این شهر سرباز نبودند ولی متعهد بودند. انتشار خبر پیروزی آمرلی برای داعش بسیار گران تمام شد؛ زیرا دیگر شهرهای عراق با همین الگو، در برابر داعش ایستادند و سه سال بعد موصل آزاد شد. مبارزه نظامی - همان‌گونه که از داعش پیداست - از نظم مشخصی پیروی می‌کند اما شکل دیگری از مبارزه وجود دارد که به جنگ‌های نامنظم شهرت یافته است. جنگ‌های نامنظم مبتنی بر آگاهی فرهنگی و جغرافیایی سربازان محلی یک منطقه است که قادرند در موقعیت بومی خود، با امکانات محدود حتی در برابر تهاجم یک ارتش بزرگ نیز مقاومت کنند. سربازان جنگ‌های نامنظم معمولاً نقشه‌های از پیش برنامه‌ریزی شده را اجرا نمی‌کنند بلکه متناسب با موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی خود عمل می‌کنند.

۳۲

- دلیل بیان این مثال و جنگ نامنظم این است که کتاب می‌خواهد گوشزد کند که انسان‌ها و جوامع، مثل یک ربات نیستند که از نظم یکسانی پیروی کنند. آن‌ها در انجام کنش‌هایشان دارای اراده هستند. می‌توانند خلاف نظم و با اراده خود و خلاقانه عمل کنند.

؟ تست

۳۱۱. مقاومت مردم مسلمان آمرلی نشان می‌دهد که

- ۱) انسان‌ها صرفاً مجریان نظم نیستند، بلکه قادرند با توجه به ارزش‌ها و آرمان‌های خود، نظم اجتماعی را تغییر دهند.
- ۲) ساختارهای اجتماعی مسلط بر انسان‌ها هستند و سرنوشت آن‌ها را تعیین می‌کنند و مجموعه‌ای از نیروها به آن‌ها سمت و سو می‌دهند.
- ۳) به هر میزان که ارزش‌ها و آرمان‌ها والاتر و انگیزه‌ها قوی‌تر باشد، تغییرات مهم‌تری رخ می‌دهد که با یکسان‌انگاری نظم اجتماعی و نظم طبیعی حاصل می‌شود.
- ۴) رویکرد تبیینی با تمرکز بر آنچه مشاهده می‌شود، اغلب معنای کنش و آنچه درون انسان می‌گذرد را در نظر می‌گیرد.

پاسخ: انسان‌ها صرفاً مجریان نظم نیستند بلکه قادرند با توجه به ارزش‌ها و آرمان‌های خود نظم اجتماعی را تغییر دهند. مصداق ← مقاومت مردم مسلمان آمرلی. بنابراین گزینه «۱» صحیح است.



کنش اجتماعی [تشکیل دهنده] ساختار اجتماعی و جهان اجتماعی

• برای همین است که می‌گوییم خشت بنای جامعه، کنش اجتماعی است؛ یعنی اگر جامعه را به ساختمانی تشبیه کنیم، خشت و آجرهای این ساختمان، کنش اجتماعی است.

یادآوری: در درس دو پایه دهم گفته شد کنش اجتماعی خردترین پدیده است؛ بنابراین جامعه‌شناسی که موضوعش کنش اجتماعی است، جامعه‌شناسی خرد نام دارد. همچنین بیان شد که ساختار اجتماعی، یک پدیده کلان است و اگر جامعه‌شناسی موضوع خودش را ساختار اجتماعی بگذارد، جامعه‌شناسی کلان می‌شود.

نکته ترکیبی: همان‌طور که می‌بینید تأکید جامعه‌شناسی تبیینی بر روی کشف نظم و ساختار اجتماعی است تا بتواند از آن طریق قدرت پیش‌بینی و کنترل پیدا کند. جامعه‌شناسی تبیینی تک‌تک کنش‌ها را بررسی نمی‌کند، بلکه موضوع خودش را ساختار و نظام اجتماعی قرار می‌دهد که پدیده‌های کلان است. بنابراین می‌توانیم بگوییم: «جامعه‌شناسی تبیینی یک جامعه‌شناسی کلان است».

• جامعه‌شناسی:

جامعه‌شناسی خرد:
کنش اجتماعی و سایر پدیده‌های خرد
جامعه‌شناسی کلان:
ساختار اجتماعی
نظام اجتماعی و سایر پدیده‌های کلان

◀ حالا به نمودار زیر توجه کنید:

جامعه‌شناسی پوزیتیویستی (تبیینی)



بررسی ساختار و نظم اجتماعی



جامعه‌شناسی کلان

? تست

۲۱۲. با توجه به مفهوم کنش اجتماعی کدام گزینه صحیح نیست؟

(۱) کنش اجتماعی خشت بنای جامعه می‌باشد و تشکیل پدیده‌های اجتماعی کلان با کنش‌های اجتماعی رخ می‌دهد.
(۲) ساختارهای اجتماعی هر چقدر هم جالفتاده باشند با کنش‌های افراد به وجود آمده‌اند.

(۳) علاوه بر ایجاد ساختارهای اجتماعی برقراری ساختارهای اجتماعی نیز با کنش افراد محقق می‌شود.

(۴) ساختارهای اجتماعی بر انسان‌ها مسلط هستند و سرنوشت آن‌ها را تعیین می‌کنند.

پاسخ: برخی معتقدند که ساختارهای اجتماعی بر انسان‌ها مسلط هستند و سرنوشت آن‌ها را تعیین می‌کنند ولی این عبارت صحیح نیست. بنابراین گزینه «۴» صحیح است.

اصطلاح جنگ‌های نامنظم را اولین بار شهید مصطفی چمران به کار برد و روش‌های ویژه‌ای برای آن ابداع کرد. مقاومت مردم مسلمان آمرلی در برابر داعش، نمونه‌ای بارز از جنگ‌های نامنظم است. در جنگ‌های نامنظم افراد از نظم موجود پیروی نمی‌کنند بلکه از آن فراتر می‌روند و با ارزش‌ها و معانی پیوند می‌خورند. سربازان جنگ‌های نامنظم به سبب انگیزه‌های اخلاقی و آرمان‌های معنویشان، توانی فراتر از نظم موجود به دست می‌آورند.

۲. خشت بنای جامعه

در درس گذشته آموختید که هر جامعه‌ای نظم‌ی دارد. این نظم تا حد زیادی حاکم بر افراد است و به اقدامات آنها شکل می‌دهد. اما میزان این تسلط و تعیین‌کنندگی چقدر است؟ آیا ساختارهای اجتماعی، بر انسان‌ها مسلط هستند و سرنوشت آنها را تعیین می‌کنند؟ برخی گمان می‌کنند که افراد قدرت مقاومت در برابر ساختارها و ایجاد تغییر در آنها را ندارند. آیا این نظر صحیح است؟

می‌دانید که کنش اجتماعی خشت بنای جامعه است و تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان با کنش‌های اجتماعی پدید می‌آیند. ساختارهای اجتماعی، هر چقدر هم جالفتاده و باسابقه باشند، با کنش‌های افراد به وجود آمده و برقرارند.



■ میزان تسلط و تعیین‌کنندگی ساختارها چقدر است؟ ساختارهای اجتماعی با کنش‌های افراد به وجود می‌آیند و برقرار می‌مانند.

۳۳

۲. خشت بنای جامعه

هر پدیده اجتماعی ریشه‌اش در کنش اجتماعی است و این کنش اجتماعی است که پدیده‌های اجتماعی را می‌سازد. پس ساختار اجتماعی هم که یک پدیده اجتماعی است، توسط کنش اجتماعی ساخته شده است.

• ساختار اجتماعی در واقع مثل قالبی عمل می‌کند که کنش‌های اجتماعی را سامان‌دهی می‌کند و در واقع مجموعه‌ای به هم پیوسته از قواعد اجتماعی است که مرزها و حدود کنش انسان‌ها را در جامعه تعیین می‌کند. حالا سؤال این است که آیا این ساختار اجتماعی، آزادی را از ما می‌گیرد و نمی‌گذارد دیگر مطابق میل خودمان عمل کنیم؟

• این درس می‌خواهد بگوید که ساختار اجتماعی با اینکه بر رفتار ما تأثیر می‌گذارد، ولی باید یادمان باشد که خودش یک پدیده اجتماعی است و توسط کنش اجتماعی ما انسان‌ها ایجاد شده است و همین‌طور می‌تواند توسط کنش اجتماعی انسان‌ها از بین برود و خود ما هستیم که ایجاد و برقراری ساختار اجتماعی را برعهده داریم.

نکته: هم ایجاد و هم برقراری (یعنی تداوم و ثبات) ساختار اجتماعی وابسته به کنش اجتماعی است و این دقیقاً یکی از تفاوت‌های اصلی پدیده‌های اجتماعی و پدیده‌های طبیعی است.

پدر روزنامه می‌خواند، اما پسر کوچکش مدام مزاحمش می‌شد. حوصله پدر سر رفت و صفحه‌ای از روزنامه، که نقشه جهان را نمایش می‌داد از آن جدا نمود و آن را قطعه قطعه کرد و به پسرش داد و گفت: بیا برای کار دارم. یک نقشه دنیا به تو می‌دهم. ببینم می‌توانی آن را دقیقاً همان‌طور که هست، بچینی و دوباره سراغ روزنامه‌اش رفت. او می‌دانست پسرش تمام روز، گرفتار این کار است، اما نیم ساعت بعد پسرک با نقشه کامل برگشت. پدر با تعجب پرسید: مادرت به تو جغرافی یاد داده؟ پسر جواب داد: جغرافی دیگر چیست؟ پدر پرسید: پس چگونه توانستی این نقشه دنیا را درست کنی؟ پسر گفت: اتفاقاً پشت همین صفحه، تصویر یک آدم بود. وقتی توانستم آن آدم را دوباره بسازم، دنیا را هم دوباره ساختم.

• تاجری میان سال، وارد کننده لوازم خانگی است. او با اداره‌هایی مانند گمرک و دارایی سرو کار زیادی دارد و تلاش می‌کند کار خود را در این اداره‌ها به ساده‌ترین و سریع‌ترین شکل ممکن، پیش ببرد. به همین دلیل با برخی مسئولان و کارکنان این اداره‌ها روابط دوستانه برقرار کرده و گاهی به آنها هدایای ارزشمندی می‌دهد. البته از این امر چندان راضی نیست ولی آن را تنها راه پیشبرد کارهایش می‌داند. او معتقد است که کار در نظام اداری کشور فقط با پرداخت رشوه و برقراری رابطه، انجام می‌شود.

• منزل کارمند با سابقه یکی از اداره‌های دولتی شهر تهران تا اداره‌اش فاصله زیادی دارد. هر چند او می‌تواند با مترو یا اتوبوس تندرو به محل کار برود اما اغلب ترجیح می‌دهد از ماشین خود استفاده کند، چون تحمل معطلی و شلوغی را ندارد. او از ترافیک سنگین خیابان‌ها و آلودگی هوا شکایت دارد و معتقد است که مسئولان به درستی به وظایف خود عمل نمی‌کنند؛ برای همین، این مشکلات سال‌هاست که حل نشده باقی مانده‌اند.

۳۰ نظام اداری کشور ما نارسایی‌هایی دارد و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای کنشگران ایجاد می‌کند اما باید توجه داشت که این نظام اداری محصول کنش‌های مدیران، کارکنان، قانونگذاران و مراجعان است. آقای تاجر به عنوان یک وارد کننده کالا یا پرداخت کننده مالیات، فردی بیرون از این نظام اداری نیست بلکه خود، عضوی از آن است و همچنان که با اقداماتش می‌تواند در تداوم و تثبیت آن نقش داشته باشد، می‌تواند موجب تغییر و تحول در آن نیز بشود. او با برقراری روابط دوستانه و پرداخت رشوه، خود به تداوم مشکلاتی که از آن گله‌مند است، کمک می‌کند. اگر از پرداخت رشوه برای پیشبرد کارش صرف‌نظر کند و دیگر همکاری‌اش را هم از چنین کاری باز دارد، مسلماً با موانع و دشواری‌هایی مواجه می‌شود اما به سهم خود برای اصلاح این ساختار

۳۴

۳۰ اهمیت کنش اجتماعی افراد

اگر ما به اداره‌ای برویم و کارمند آن اداره از ما درخواست رشوه کند، ما مجبور نیستیم که حرف او را بپذیریم. اگر ما به او رشوه دهیم، این وضعیت تداوم می‌یابد و تثبیت می‌شود. اما ما می‌توانیم تصمیم بگیریم که کمی سختی بکشیم ولی در حد خودمان کاری کنیم که این وضعیت تغییر کند.

• این مثال نشان‌دهنده تغییر در ساختار توسط کنش اجتماعی است. ساختار آن اداره به گونه‌ای است که می‌خواهد ما را به سمت رشوه دادن ببرد ولی همچنان ما آزادی داریم که این کار را انجام ندهیم و می‌توانیم تلاش کنیم که این وضعیت تغییر کند.

هر یک از ما می‌توانیم باعث تداوم، تثبیت و حفظ وضع موجود یا تغییر و اصلاح آن شویم.

نکته: کسی که رئیس‌جمهور است بیشتر از یک کارمند ساده می‌تواند در جامعه اثرگذار باشد. بنابراین میزان تأثیرگذاری افراد در جامعه یکسان نیست.

؟ تست

۳۱۲. کدام گزینه در رابطه با جامعه‌شناسی تبیینی درست است و خشت بنای جامعه چیست؟

۱) جامعه‌شناسی تبیینی با تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی و یکسان دانستن نظم اجتماعی و نظم طبیعی، اراده و خلاقیت انسان‌ها را نادیده می‌گیرد و موجب سرکوب روحیه خلاق انسان‌ها در بسیاری عرصه‌ها مانند هنر، ارتباط و اندیشه می‌شود - پدیده‌های اجتماعی

۲) با استفاده از روش جامعه‌شناسی تبیینی می‌توان فضایل و رذایل اخلاقی را شناخت، البته گاهی استفاده از روش‌های تجربی می‌تواند به انکار ارزش‌های اخلاقی، دینی و عاطفی منجر شود - کنش اجتماعی

۳) جامعه‌شناسی تبیینی با تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی و یکسان دانستن نظم اجتماعی و نظم طبیعی، اراده و خلاقیت انسان‌ها را نادیده می‌گیرد و موجب سرکوب روحیه خلاق انسان‌ها در بسیاری عرصه‌ها مانند هنر، ارتباط و اندیشه می‌شود - کنش اجتماعی

۴) با استفاده از روش جامعه‌شناسی تبیینی می‌توان فضایل و رذایل اخلاقی را شناخت، البته گاهی استفاده از روش تجربی می‌تواند به انکار ارزش‌های اخلاقی، دینی و عاطفی منجر شود - پدیده‌های اجتماعی

پاسخ: جامعه‌شناسی تبیینی با تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی و یکسان دانستن نظم طبیعی و نظم اجتماعی، اراده و خلاقیت انسان را نادیده می‌گیرد و موجب سرکوب روحیه خلاق انسان‌ها می‌شود. کنش اجتماعی خشت بنای جامعه است و تمامی پدیده‌های اجتماعی، از کنش اجتماعی پدیده می‌آیند. بنابراین گزینه «۳» صحیح است.

۳۱۴. به ترتیب صحیح یا غلط بودن هریک از عبارتهای زیر در کدام گزینه آمده است؟

- انسان‌ها قدرت مقاومت در برابر ساختارها و ایجاد تغییر در آن‌ها را ندارند.

- نظام اداری ناکارآمد، سبب می‌شود که فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای کنش‌گران به وجود بیاید.

- میزان تأثیرگذاری تمامی اعضای جامعه بر پدیده‌ها، مشکلات و مسائل اجتماعی، متفاوت نیست.

- جامعه‌شناسی پوزیتیویستی نمی‌تواند ارزش بودن مهربانی و فداکاری و ضد ارزش بودن کینه توزی و خودخواهی را فهم کند.

۱) ص - ص - غ - غ

۲) غ - ص - غ - ص

۳) ص - غ - ص - غ

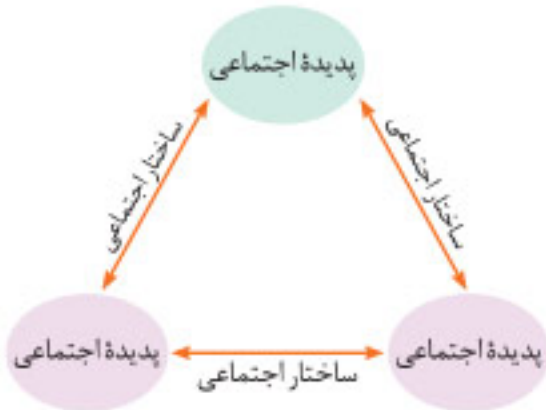
۴) غ - غ - ص - ص

پاسخ: انسان‌ها قدرت مقاومت در برابر ساختارها و ایجاد تغییر در آن‌ها را دارا می‌باشند. میزان تأثیرگذاری تمام اعضای جامعه بر مسائل و مشکلات زندگی یکسان نیست و هر کدام به تناسب نقش‌هایی که دارند، تأثیرگذاری‌های متفاوتی دارند. بنابراین گزینه «۲» صحیح است.

۳۴ اصلاح جامعه

انسان‌ها می‌توانند نظم اجتماعی را تغییر دهند. اگر مردم یک جامعه دیدند که ساختار یک جامعه ناعادلانه است، می‌توانند تلاش کنند تا این وضعیت ناعادلانه را اصلاح کنند.

● به نمودار دقت کنید. این نمودار دربارهٔ ارتباط با ساختار اجتماعی و نوع پدیده‌ها است.



توضیح عکس: هدف کتاب از آوردن این تصاویر بیان این است که انسان‌ها اسیر نظام اجتماعی به وجود آمده نیستند. آن‌ها همان‌طور که نظام اجتماعی را با کنش اجتماعی به وجود آورده‌اند، اکنون نیز می‌توانند با کنش اجتماعی آن را تغییر دهند. اگر حکومت در ترکیه با اسلام مخالفت می‌کند، مردم ترکیه می‌توانند رفتار آن حکومت را تغییر دهند و مجبور نیستند که از همان نظم قبلی پیروی کنند.

تست؟

۳۱۵. به ترتیب عبارت‌های کدام گزینه در رابطه با نظم اجتماعی درست نیست اما در رابطه با عبور از جامعه‌شناسی پوزیتیویستی به جامعه‌شناسی تفهیمی - تفسیری درست است؟

(۱) زندگی اجتماعی انسان و نظم، همزاد یکدیگرند اما انسان‌ها صرفاً مجربان نظم نیستند بلکه قادرند با توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های خود، نظم اجتماعی را تغییر دهند. - مهم دانستن اراده و ارزش‌ها اما آن‌ها را برخاسته از آگاهی و تابع آن دیدن، موجب تغییر مسیر از جامعه‌شناسی پوزیتیویستی به جامعه‌شناسی تفهیمی-تفسیری بود.

(۲) مشکلات و مسائل اجتماعی، بیرون از دایرهٔ نفوذ و تأثیر ما هستند و فقط افراد خاصی، مثل مسئولان و مدیران می‌توانند بر آن تأثیر بگذارند. - مهم دانستن اراده و ارزش‌ها و آن‌ها را برخاسته از آگاهی و تابع آن دیدن، موجب تغییر مسیر از جامعه‌شناسی پوزیتیویستی به جامعه‌شناسی تفهیمی - تفسیری بود.

(۳) مشکلات و مسائل اجتماعی، بیرون از دایرهٔ نفوذ و تأثیر ما هستند و فقط افراد خاصی، مثل مسئولان و مدیران می‌توانند بر آن تأثیر بگذارند. - تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی به بسط اراده و خلاقیت، ارزش و اخلاق و آگاهی و معنادار زندگی اجتماعی می‌انجامد.

(۴) زندگی اجتماعی انسان و نظم، همزاد یکدیگرند اما انسان‌ها صرفاً مجربان نظم نیستند بلکه قادرند با توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های خود، نظم اجتماعی را تغییر دهند. - تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی به بسط اراده و خلاقیت، ارزش و اخلاق و آگاهی و معنا در زندگی اجتماعی می‌انجامد.

پاسخ: مشکلات و مسائل اجتماعی آن‌گونه که بیان می‌شود، بیرون از دایره و نفوذ ما نیستند و فقط افراد خاصی مثل مدیران نمی‌توانند بر آن‌ها اثر بگذارند.

نظریه پردازان کنش اجتماعی، آگاهی و معناداری را مهم‌ترین ویژگی کنش می‌دانند. بنابراین گزینهٔ «۲» صحیح است.

تلاش کرده است و چه بسا به مرور در این تغییر، موفق شود. آقای کارمند نیز با استفاده از خودروی خود، در تداوم ترافیک شهری و آلودگی هوا سهیم است و اگر از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کند، می‌تواند در حل این مشکلات مؤثر باشد.

در این مثال‌ها و ده‌ها مثال دیگر از این نوع، به روشنی می‌توان دید که مشکلات و مسائل اجتماعی، آن‌چنان که به نظر می‌رسند، بیرون از دایرهٔ نفوذ و تأثیر ما نیستند و این‌گونه نیست که فقط افراد خاصی، مثل مسئولان و مدیران، بتوانند بر آنها تأثیر بگذارند. همهٔ ما از آنجا که عضوی از جامعه هستیم، با کنش‌های اجتماعی خود، در حفظ وضع موجود یا تغییر آن، اثر می‌گذاریم اگر چه میزان تأثیرگذاری همهٔ اعضای جامعه یکسان نیست و صاحبان برخی مشاغل و مسئولیت‌ها، نسبت به سایرین اثرگذاری بیشتری دارند.

بخوانیم و بدانیم

آورده‌اند که نوشیروان عادل را در شکارگاهی، صید کباب کردند و نمک نبود. غلامی به روستا رفت تا نمک آورد. نوشیروان گفت نمک به قیمت بستان تارسمی نشود و ده خراب نگردد. گفتند از این قدر چه خلل آید، گفت بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است هر که آمد برو مزیدی کرده تا بدین غایت رسیده.

اگر زباغ ریت، ملک خورده بی
بر آورده غلامان او درخت ازین

زندگی اجتماعی انسان و نظم، همزاد یکدیگرند اما انسان‌ها صرفاً مجربان نظم نیستند بلکه قادرند با توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های خود، نظم اجتماعی را تغییر دهند و از مشکلات احتمالی ساختارهای اجتماعی بکاهند. به هر میزان که این آرمان‌ها و ارزش‌ها والاتر و انگیزهٔ افراد برای تحقق بخشیدن به آنها قوی‌تر باشد، تغییر مهم‌تری ایجاد خواهد شد.



در دهه ۱۹۸۰ حجاب در مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات دولتی ترکیه ممنوع اعلام شد. دانشجویان ترکیه پوشی علیه این قانون به راه افتادند و شکایت خود را به دادگاه‌های ترکیه بردند.

نمونه‌هایی برای تغییر نظم و ساختار اجتماعی توسط اعضای جامعه

۳۵



حکومت ترکیه با تأیید نفوذ اسلام در جامعه و با هدف ایجاد نوعی مذهب که مورد تأیید حکومت باشد اصول سکولار را تهدید نکند، مدارس امام خطیب را بنا کرد اما از سال ۱۹۷۰ این مدارس به پناهگاهی برای اسلام گراها تبدیل شدند.

ارزش‌های والاتر + انگیزهٔ قوی‌تر

نتیجه

تغییر مهم‌تر

یادآوری: فرق بین نظم اجتماعی، ساختار اجتماعی و نظام اجتماعی:

بچه‌ها خوب دقت کنید این مفاهیم را باید تفکیک شده در ذهنتون قرار بدهید. گفتیم نظم اجتماعی حاصل قواعد اجتماعی است و این قواعد اجتماعی توسط ساختار و نظام اجتماعی شکل می‌گیرد.



فرق بین ساختار اجتماعی و نظام اجتماعی هم در این بود که ساختار اجتماعی صرفاً به نوع ارتباط و چینش پدیده‌های اجتماعی نگاه می‌کرد، اما نظام اجتماعی علاوه بر نگاه به ساختار و نوع ارتباط پدیده‌ها به تأثیر گذاشتن و تأثیر پذیرفتن پدیده‌های اجتماعی بر روی یکدیگر نیز توجه می‌کرد.

۵. ناتوانی روش تجربی در فهمیدن کنش انسان

ما می‌دانیم که آب در دمای صد درجه به جوش می‌آید و این ردخور ندارد و در همه‌جای جهان، در هر شرایطی به همین صورت است. اما در مورد انسان نمی‌توان از این قاعده‌ها ساخت. مثلاً نمی‌توان گفت اگر کسی فقیر شد حتماً حتماً مجرم می‌شود. یا اگر کسی معتاد شد حتماً بی‌دین هم می‌شود. ممکن است بعضی از فقیرها مجرم شوند اما ممکن است بعضی فقیرها هم مجرم نباشند.

تفاوت انسان و پدیده‌های طبیعی در این است که انسان کنش آگاهانه و معنادار انجام می‌دهد؛ یعنی این خود انسان است که با آگاهی و اراده خود می‌تواند تصمیم بگیرد که مجرم شود یا نه، یا اوست که می‌تواند تصمیم بگیرد که عصبانی بشود یا نشود. ما با روش تجربی می‌توانیم بفهمیم که اگر آب به صد درجه برسد به جوش می‌آید و می‌توانیم یک قانون کلی بدهیم اما به دلیل تفاوت رفتار انسان و آگاهانه و معنادار بودن رفتار انسان، نمی‌توانیم از قانون کلی صحبت کنیم: زیرا روش تجربی معنای کنش را نمی‌تواند بفهمد.

نکته: «کنش انسان را نمی‌توان فقط با روش تجربی تحلیل کرد» یعنی روش تجربی می‌تواند در تحلیل کنش انسان به ما کمک کند، ولی به تنهایی نمی‌تواند به صورت کامل به ما تحلیلی از رفتار انسان بدهد و باید چیزهای دیگری هم به آن کمک کنند.

معناداری عمل انسان



آگاهانه بودن عمل انسان



تفاوت رفتار انسان در شرایط متفاوت



ناتوانی علم تجربی در فهم معنای کنش



کنش انسان را نمی‌توان فقط با روش تجربی تحلیل کرد.

؟ تست

۲۱۶. به ترتیب به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

الف) اگر فردی معتقد باشد که ساختارهای اجتماعی به زندگی ما شکل می‌دهند و امکان آزادی را از ما گرفته‌اند، کدام عبارت می‌تواند پاسخی برای او باشد؟

ب) بیت «اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی / برآوردن غلامان او درخت از بیخ» با کدام جمله هماهنگ است؟

۱) کنش اجتماعی خشت بنای جامعه است و تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان با کنش‌های اجتماعی پدید می‌آیند. همه ما از آنجا که عضوی از جامعه هستیم، با کنش‌های اجتماعی خود، در حفظ وضع موجود یا تغییر آن، اثر می‌گذاریم.

۲) مشکلات و مسائل اجتماعی، آنچنان که به نظر می‌رسند، بیرون از دایره نفوذ و تأثیر ما نیستند. - رویکرد تبیینی بر آنچه مشاهده می‌شود تمرکز می‌کند و اغلب معنای کنش و آنچه درون انسان می‌گذرد را نادیده می‌گیرد.

ممکن است تاجری که مثال زده‌ایم، مشکلات زیادی را تحمل کند اما برای حفظ منافع اقتصادی‌اش، انگیزه زیادی برای تغییر وضعیت موجود نداشته باشد یا کارمندی که درباره او سخن گفته‌ایم، با مشکلات شهری متعددی مواجه باشد اما برای حل آنها هیچ اقدامی نکند. در مقابل، ممکن است عموم مردم چنان انگیزه‌ای پیدا کنند که آغازگر حل یک بحران جهانی شوند؛ همان‌طور که مقاومت مردم آمرلی، سرآغاز فروپاشی داعش شد.

تکمیل کنید

راز تخته سنگ

در زمان‌های گذشته، پادشاهی تخته سنگی را در وسط جاده قرار داد و برای اینکه واکنش مردم را ببیند، خود در گوشه‌ای مخفی شد. مردم زیادی می‌آمدند و از آنجا می‌گذشتند. بسیاری هم اعتراض می‌کردند که این چه شهری است که نظم ندارد. چه حاکم بی‌عرضه‌ای دارد.

اما هیچ‌کس تخته سنگ را از آنجا بر نمی‌داشت. نزدیک غروب، مردی روستایی که پشتش بار میوه و سبزی بود نزدیک سنگ شد. او بارش را به زمین گذاشت و با هر زحمتی که بود، تخته سنگ را از وسط جاده برداشت و آن را کناری قرار داد. ناگهان کیسه‌ای را دید که زیر تخته سنگ قرار داده شده بود. او کیسه را باز کرد و در داخل آن سکه‌های طلا و یک یادداشت پیدا کرد. در آن یادداشت نوشته شده بود...

۵. پیامدهای نادیده گرفتن کنش اجتماعی

فرض کنید بحث شما با دوستان بالا بگیرد. او عصبانی شده است و می‌خواهد با شما درگیر شود؛ شما در چنین موقعیتی چه انتخاب‌هایی دارید؟ می‌توانید به دوستان لبخندی بزنید، محیط را ترک کنید، خود را به کار دیگری سرگرم کنید، با دوست دیگری گفت‌وگو کنید، از کیفیتان کتابی درآورید و مشغول مطالعه شوید، به کنار پنجره بروید و خود را به بی‌خیالی بزنید و البته می‌توانید با او درگیر شوید و حتی - خدای ناکرده - زدوخورد کنید یا... در چنین وضعیتی باید پیامدهای کنشی را هم که انتخاب می‌کنید، در نظر بگیرید. همه این انتخاب‌ها کنش اجتماعی محسوب می‌شوند؛ یعنی فعالیت معناداری که با توجه به دیگری انجام می‌شود. فلزات، نقطه جوش و ذوب مخصوص خود را دارند، اما انسان‌ها این‌گونه نیستند؛ برخی انسان‌ها زود جوش می‌آورند، عصبانی می‌شوند و از کوره در می‌روند اما بعضی دیگر صبورند و دیر عصبانی می‌شوند.

انسان‌ها، برخلاف پدیده‌های طبیعی، آگاهانه عمل می‌کنند و عملشان معنادار است. آنها در

۳۶

۳) ممکن است عموم مردم چنان انگیزه‌ای پیدا کنند که آغازگر حل یک بحران جهانی شوند. -

برخی اهداف کنشگران مانند کسب درآمد، ساختن خانه و... قابل مشاهده‌اند ولی انسان‌ها اغلب در کنش‌هایشان به دنبال تحقق اهداف و ارزش‌هایی غیرقابل مشاهده‌اند.

۴) انسان‌ها، برخلاف پدیده‌های طبیعی، آگاهانه عمل می‌کنند و عملشان معنادار است. آن‌ها در شرایط گوناگون، رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. - انسان‌ها صرفاً مجریان نظم نیستند، بلکه قادرند با توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های خود، نظم اجتماعی را تغییر دهند.

پاسخ: کنش اجتماعی خشت بنای جامعه است. بنابراین ساختارهای اجتماعی هم از طریق کنش‌های اجتماعی به وجود آمده‌اند. علاوه بر ایجاد ساختارهای اجتماعی، برقراری ساختارهای اجتماعی هم از طریق کنش اجتماعی است.

شعر بیان شده با این نکته مرتبط است که همه ما از آنجا که عضوی از جامعه هستیم، با کنش‌های اجتماعی خود، در حفظ وضع موجود یا تغییر آن، اثر می‌گذاریم.

بنابراین گزینه «۱» صحیح است.

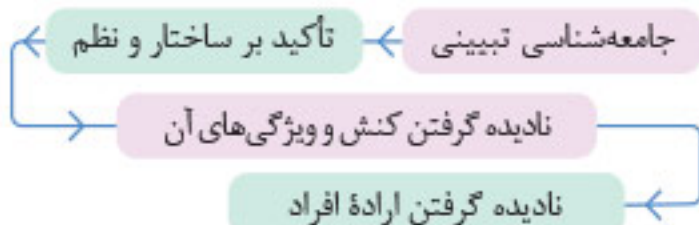
۷ پیامد نادیده گرفتن ویژگی‌های کنش

رکود اراده‌ها

• **نادیده گرفتن ویژگی اراده در کنش:** یک ویژگی کنش، ارادی بودن است. رویکرد تبیینی چون ویژگی‌های کنش را نمی‌بیند، اراده را در نظر نمی‌گیرد.

• **تأکید بر نظم و ساختارهای اجتماعی:** در جامعه‌شناسی بر نظم و ساختار تأکید می‌شود و اراده را در نظر نمی‌گیرد. مثلاً می‌گویند اگر جامعه فریبکار شد، مردم آن جامعه هم حتماً فریبکار می‌شوند و امکان ندارد که افرادی پیدا شوند که با این روند مخالفت کنند.

نکته: از این روست که جامعه‌شناسی تبیینی را، جامعه‌شناسی کلان می‌پندارند زیرا تأکیدش بر نظم و ساختار اجتماعی است که پدیده‌های کلان محسوب می‌شوند.



• **یکسان دانستن نظم اجتماعی و نظم طبیعی:** قوانین اجتماعی را مانند «آب در صد درجه به جوش می‌آید» در نظر می‌گیرند که امکان ندارد خلاف آن اتفاق بیفتد و در همه جا یکسان است. مثلاً می‌گویند «در جامعه‌ای که روابط سیاسی بسیار جدی است، خانواده از هم فرومی‌پاشد» یعنی می‌گویند که به محض اینکه ساختار جامعه به سمت سیاسی شدن رفت، دیگر حتماً خانواده فرو می‌پاشد و انسان‌ها هم نمی‌توانند در برابر آن مقاومت کنند.

تأکید بیش از حد بر نظم و ساختار

نتیجه

نادیده گرفتن اراده و خلاقیت انسان

+

یکسان دیدن نظم طبیعی و اجتماعی

• **رعایت ساختار بدون توجه به آرمان‌ها:** این رویکرد بر ساختار اجتماعی و قوانین اجتماعی بسیار تأکید می‌کند. به گونه‌ای که دیگر، انسان‌ها کاری ندارند چرا باید این قوانین را انجام دهند و فقط به آن‌ها می‌گویند که چاره‌ای ندارید مگر اینکه تابع این قوانین باشید. اگر در یک جامعه ساختار جامعه به سمت رواج بی‌عدالتی در جامعه برود، مردم با رویکرد تبیینی دیگر کاری با هدف این ساختار ندارند و فقط تابع این ساختار می‌شوند و در نظر نمی‌گیرند که رعایت این قوانین، بی‌عدالتی را رواج می‌دهد.

روی دیگر رکود اراده‌ها، نادیده گرفتن خلاقیت هست.

تأکید افراطی بر ساختار اجتماعی

+

رعایت نظم بدون توجه به آرمان‌ها و ارزش‌ها

نتیجه

سرکوب روحیه خلاق انسان‌ها

شرایط گوناگون، رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. به همین دلیل کنش انسان را نمی‌توان فقط با روش تجربی تحلیل کرد، زیرا اگرچه حس و تجربه از ابزارهای مهم شناخت علمی هستند اما روش تجربی توان فهم معانی کنش انسان‌ها را ندارد. (هلت)



■ «لوردوس» بزرگ‌ترین شهر متروکه جهان است که با وجود سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت چین برای تشویق و ترغیب هزاران نفر به سکونت در آن، تقریباً خالی از سکنه مانده و شهر ارواح لقب گرفته است.

۶ • **رویکرد تبیینی بر آنچه مشاهده می‌شود تمرکز می‌کند** و اغلب معنای کنش و آنچه درون انسان می‌گذرد را نادیده می‌گیرد. نادیده گرفتن کنش در زندگی اجتماعی انسان چه پیامدهایی دارد؟ نادیده گرفتن کنش، نادیده گرفتن ویژگی‌های آن است و پیامدهایی دارد:

۷ • **رکود اراده‌ها:** کنش اجتماعی، ارادی است. اما جامعه‌شناسی تبیینی با تأکید بیش از اندازه بر نظم و ساختارهای اجتماعی و یکسان دانستن نظم اجتماعی و نظم طبیعی، اراده و خلاقیت انسان‌ها را نادیده می‌گیرد. تأکید افراطی بر ساختارهای اجتماعی به تدریج سبب می‌شود افراد بدون آنکه بدانند این نظم برای تحقق چه آرمان‌ها و ارزش‌هایی است، صرفاً آن را رعایت کنند. به علاوه، این تأکید موجب سرکوب روحیه خلاق انسان‌ها در بسیاری عرصه‌ها مانند هنر، ارتباط و اندیشه می‌شود. انقلاب‌های اجتماعی، اندیشه‌های جدید، شاهکارهای هنری و اختراعات بزرگ هنگامی پدید می‌آیند که انسان از نظم موجود گامی فراتر می‌گذارد. (معلول)

ماکس وبر از سلطه چنین نظامی که گویا هدفی جدا از انسان‌ها و نیازهای واقعی آنها دارد، به «قفس آهنین» تعبیر می‌کند. تأکید بر ساختار اجتماعی



■ نظم اجتماعی و خلاقیت دو بال موفقیت انسان‌ها هستند.

نمونه‌ای در خصوص فراتر رفتن از نظم جامعه

۳۷

۶ نادیده گرفتن ویژگی کنش

پس فهمیدیم که روش تجربی نمی‌تواند کنش اجتماعی را تحلیل کند. اما اگر روش تجربی وارد علوم انسانی شود و سعی کند که کنش اجتماعی را تحلیل کند، همان روش تجربی را به کار می‌گیرد. یعنی می‌خواهد به قواعدی مانند «آب در صد درجه به جوش می‌آید» برسد: یعنی می‌خواهد به یک نظم و ساختاری برسد که امکان خروج از آن وجود ندارد. مثلاً می‌خواهد به این برسد که هر کس دو فرزند دارد، انسان خوش‌اخلاقی است. به صورتی که دیگر امکان رد این قضیه نباشد.

• رویکرد تبیینی که در درس گذشته در مورد آن توضیح دادیم، می‌خواهد با روش تجربی به تحلیل کنش اجتماعی بپردازد: بنابراین دو اصل را رعایت می‌کند:

۱. بر آنچه مشاهده می‌شود تمرکز می‌کند.

۲. معنای کنش را نادیده می‌گیرد. یعنی دیگر کاری ندارد انسانی که جرم مرتکب می‌شود، چرا و چه شده است که این کار را می‌کند و فقط می‌بیند که او جرم کرده است.

نادیده گرفتن کنش

نتیجه

نادیده گرفتن ویژگی‌های کنش (مانند معناداری، آگاهانه و...)

• رویکرد تبیینی و نادیده گرفتن ویژگی‌های کنش، دارای چند پیامد است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

● انقلاب‌ها، اختراعات و اندیشه‌های جدید همگی چیزهایی هستند که نوعی نوآوری محسوب می‌شوند و از تفاوت با گذشته ایجاد می‌شوند. اگر در یک جامعه بر ساختارها تأکید شود و اجازه عبور از آن‌ها داده نشود، امکان انقلاب یا اختراع نخواهد بود: زیرا افراد فکر می‌کنند که فقط در همین چارچوب‌هاست که می‌توانند فعالیت کنند و خارج از این چارچوب را نمی‌بینند.

فراتر رفتن از نظم موجود



انقلاب، اختراع، شاهکار هنری و...

● ما قبلاً در درس شش پایه دهم در مورد قفس آهنین و بر صحبت کرده‌ایم. قفس آهنین چیزی است که انسان خودش می‌سازد و خودش را در قفس قرار می‌دهد و این قفس آزادی را از انسان سلب می‌کند. قفس آهنین یک ویژگی مهم دارد:

قفس آهنین، جدا از انسان و نیازهای واقعی اوست.

۸ سقوط ارزش‌ها

سقوط ارزش به ناپدید شدن ویژگی هدفدار بودن کنش برمی‌گردد. رویکرد تبیینی ویژگی هدفمندی کنش انسانی را هم در نظر نمی‌گیرد. ● بعضی اهداف را می‌توان با روش‌های تجربی و مشاهده‌ای دید. مثلاً می‌توان ثروت یا قدرت را دید و آن را به عنوان هدف در نظر گرفت. اما ارزش‌های اخلاقی را نمی‌شود مشاهده کرد و سنجید و بنابراین ارزش دانست. مثلاً در رویکرد تجربی نمی‌توان گفت که خودخواهی بد است و شاید اصلاً در رویکرد تبیینی به این برسیم که خودخواهی خوب است و می‌تواند به پیشرفت جامعه کمک کند! بنابراین در جامعه‌شناسی تبیینی:

۱. بسیاری از ارزش‌ها قابل مشاهده نیستند.

۲. نمی‌توان فضیلت یا رذیلت‌های اخلاقی را با روش تجربی شناخت.

🔗 توضیح عکس: در اینجا کتاب سعی دارد بیان کند وقتی رویکرد پوزیتیویستی (انحصار علم به علوم تجربی) در جامعه غربی گسترش پیدا می‌کند، این امر باعث می‌شود ارزش‌گذاری‌ها هم حتی توسط رویکرد تبیینی و تجربی صورت بگیرد، بنابراین نژاد برتر و باارزش‌تر آن نژادی است که مثلاً دارای فلان ویژگی‌های جسمی باشد. اموری که قابل مشاهده نیست امکان ارزیابی در این رویکرد را ندارند زیرا قابل ارزیابی تجربی نیستند. در این عکس با اندازه‌گیری سر کودک و ویژگی‌های جسمی او سعی دارند بفهمند که آیا از نژاد برتر هست یا نه!

ما با رویکرد تبیینی نمی‌توانیم معتقد به دین باشیم زیرا با رویکرد تبیینی نمی‌توانیم خدا و دیگر امور دینی را ببینیم، همچنین اخلاق و عاطفه هم نداریم. در نگاه تجربی، عشق و عاطفه و محبت صرفاً اتفاقی است که در هورمون‌های انسان رخ می‌دهد و چیزی بیش از این نیست!

● سقوط ارزش‌ها: کنش اجتماعی، هدفدار است. برخی اهداف کنشگران مانند کسب درآمد، ساختن خانه و... قابل مشاهده‌اند ولی انسان‌ها اغلب در کنش‌هایشان به دنبال تحقق اهداف و ارزش‌هایی مانند کسب فضیلت‌های اخلاقی، جلب رضایت الهی و... هستند که دیگران نمی‌توانند آنها را مشاهده کنند. در جامعه‌شناسی تبیینی، ارزش بودن مهربانی و فداکاری و ضد ارزش بودن کینه‌توزی و خودخواهی قابل مشاهده و فهم نیست؛ زیرا با استفاده از روش‌های تجربی نمی‌توان گفت که مهربانی یک فضیلت اخلاقی و کینه‌توزی یک رذیلت اخلاقی است.



■ اندازه‌گیری اجزای بدن در ایام جنگ جهانی دوم برای تعیین اینکه چه کسی از نژاد برتر برخوردار است و برگزینی جشنواره‌های زیبایی در روزگار ما، نشان‌دهنده تأکید افراطی بر امور قابل مشاهده‌اند.

← مربوط به سقوط ارزش‌ها

به سبب اینکه بسیاری از کنش‌های عاطفی، هنری، اخلاقی و مذهبی با رویکرد تبیینی قابل توضیح نیستند، کسانی که فقط روش‌های تجربی را معتبر می‌دانند، با انکار ارزش‌های عاطفی، اخلاقی، مذهبی و... دچار اخلاق‌گریزی می‌شوند. بزرگ‌ترین کشتار جهان در جنگ‌های جهانی اول و دوم، میان توسعه یافته‌ترین کشورها رخ داد و با فاجعه هیروشیما و ناکازاکی پایان یافت. تعداد کشته‌های دو جنگ جهانی را با تعداد کشته‌های حمله مغول به ایران بزرگ مقایسه کنید. چرا پیشرفت‌های چشمگیر جهان غرب در حوزه صنعت و فضا به فراگیرتر و عمیق‌تر شدن فجایع انسانی و زیست‌محیطی منجر شده است؟



■ تربیت و نگهداری حیوانات در سیرک‌ها و تبدیل کردن آنها به موجوداتی آرام و دست‌آموز برای اجرای نمایش با روش‌هایی از قبیل جداسازی از طبیعت، تنبیه بدنی، تحمل گرسنگی و شرطی کردن آنها صورت می‌گیرد.

● افول معانی: چرا برخی از جوانان و نوجوانان به استفاده از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای اعتیاد دارند؟ مطالعات تبیینی نشان داده‌اند که میان عواملی مانند میزان پرخاشگری، هیجان، خواب،

۲۸

قابل توضیح نبودن ارزش‌ها با رویکرد تبیینی

نتیجه

انکار ارزش‌های عاطفی، اخلاقی، دینی و...

● این وضعیت منجر به اخلاق‌گریزی می‌شود: یعنی شرایطی ایجاد می‌شود که انسان‌ها دیگر به هیچ چیز پایبند نیستند و هر کاری دلشان بخواهد انجام می‌دهند.

انکار ارزش‌های عاطفی، اخلاقی، دینی و... در نتیجه اخلاق‌گریزی

● نتیجه اخلاق‌گریزی و بی‌توجهی به اخلاق این می‌شود که افرادی بدون اینکه جان انسان‌ها برایشان اهمیت داشته باشد، جنگ راه می‌اندازند و افراد زیادی را می‌کشند.

بس حواست باشد که همراه ناپدید شدن هدف کنش، اخلاق‌گریزی و ارزش‌زدایی است.

📌 نکته ترکیبی: در درس ششم جامعه‌شناسی دهم خواندیم که از محدودیت‌هایی که ماکس وبر برای جهان متجدد (که صرفاً نگاهی تبیینی و پوزیتیویستی به جهان دارد) برمی‌شمارد، رواج کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیاست که عرصه را برای سایر کنش‌ها تنگ می‌کند (مانند کنش‌های عاطفی و اخلاقی). ماکس وبر اسم این نظام اجتماعی پیچیده را قفس آهنین گذاشت.

معنای استفاده بیشتر از رایانه برای جوانان

به روز بودن، هیجان، آزادی و توانایی

گرایش آن‌ها به انجام این کنش (حضور افراطی در فضای مجازی)

نتیجه

عامل اصلی گرایش به فضای مجازی در جوانان

معنای این نوع کنش‌ها و استفاده از این ابزارهاست

مثلاً جوانان برای اینکه سرگرم باشند یا برای اینکه به روز به نظر برسند، به سراغ بازی‌های رایانه‌ای می‌روند. پس با بازی کردن می‌خواهند این معنا را به دیگران منتقل کنند که آن‌ها به روز هستند یا اینکه می‌خواهند خودشان را سرگرم کنند.

۱۰- همراهی همدلانه برای درک معنای کنش

ما برای اینکه معنای کنش را بفهمیم و مثلاً بدانیم که چرا جوانان به بازی رایانه‌ای گرایش دارند، نمی‌توانیم از روش‌های تجربی استفاده کنیم. مثلاً نمی‌توانیم به آن‌ها پرسشنامه بدهیم و بخواهیم که به علت گرایش به بازی اعتراف کنند! بلکه باید با آن‌ها همراه شد، با آن‌ها صحبت کرد، با آن‌ها زندگی کرد تا بتوانیم از دل زندگی آن‌ها به علت گرایش به بازی پی ببریم. بنابراین باید با آن‌ها همدلانه، همراه شد یعنی تلاش کنیم از منظر آن‌ها به مسائل نگاه کنیم؛ یعنی به گونه‌ای زندگی کنیم که بتوانیم خودمان را جای آن جوان بگذاریم و ببینیم که او چگونه به جهان نگاه می‌کند که او را به سمت بازی‌های رایانه‌ای سوق داده است.

فهم معنای کنش

از طریق

همراهی و صحبت کردن و...

به معنای

همراهی همدلانه با سوژه و تلاش برای فهم مسائل از منظر آن‌ها

به معنای

یعنی جوری زندگی کنیم که بتوانیم خودمان را جای دیگری قرار دهیم تا مسائل را درک کنیم.

نکته: افول معنا، با نادیده گرفتن آگاهی هم همراه است. کنش همیشه همراه با آگاهی است که رویکرد تبیینی آن را نادیده می‌گیرد. انسان‌ها با آگاهی دست به کنش می‌زنند و ما برای اینکه بدانیم آن‌ها چه آگاهی داشته‌اند که به این کنش منجر شده، باید با آن‌ها همراه شویم و همدلانه رفتار کنیم.

وضعیت تحصیلات و تأهل با اعتیاد به اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای رابطه وجود دارد. اما آیا این عوامل می‌توانند علت اعتیاد جوانان به بازی‌های رایانه‌ای و اینترنت را نشان دهند؟ **خیر** آیا گرایش افراطی افراد به بازی‌های رایانه‌ای و اینترنت صرفاً به این عوامل قابل مشاهده بستگی دارد؟ آیا می‌توان بدون توجه به تفسیر کاربران از موقعیت خاص خود، به این پرسش پاسخ صحیح داد؟ **خیر**

کنش اجتماعی، آگاهانه و معنادار است. نادیده گرفتن معنای کنش، سبب شده است که بیشتر مطالعات تبیینی به توصیف خصوصیات و رفتارهای قابل مشاهده ما محدود شوند. اما اگر تفسیرهای جوانان و نوجوانان را در نظر بگیریم، متوجه خواهیم شد که عامل اصلی گرایش این کاربران به اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای، معنای استفاده از این ابزار است. بیشتر جوانان و نوجوانان استفاده هرچه بیشتر از اینها را به روز بودن، سرگرمی، هیجان، آزادی و توانایی معنا می‌کنند. این قبیل معانی و انگیزه‌ها، عوامل اصلی حضور افراطی جوانان و نوجوانان در فضاهای مجازی است.

۱۰- برای فهم انگیزه جوانان و نوجوانان نمی‌توان از روش‌های تجربی استفاده کرد، بلکه باید همدلانه با جوانان همراه شد تا مسائل زندگی و آرزوهای آنها را فهمید و آنان را یاری داد. البته همراهی همدلانه به معنای تأیید کنشگران نیست، بلکه به معنای نگاه کردن به مسائل آنها از منظر خودشان و تلاش برای فهم آنهاست. ما در جهان اجتماعی با افراد آگاه سروکار داریم و لازم است با توجه به تفسیر آنها از خودشان، به فهم همدلانه کنش‌های آنها دست پیدا کنیم.



زرد، قرمز، آبی اثر واسیلی کاندینسکی، خالق نقاشی‌های مدرن انتزاعی. این نقاشی‌ها، تفسیر عمیقی با خود دارند و چیزی که در ظاهر به نظر می‌رسد، نیستند. شکل‌ها و رنگ‌ها به واقعیتی مشخص بیرون از ذهن اشاره ندارند.



گردش خانوادگی اثر پاول کله. به گفته او در ورای ابهام، رمز و رازی نهفته است که با هنر می‌توان به آن راه یافت.

۱- با اینکه فضای مجازی معنای به روز بودن را در خود دارد ولی سبب می‌شود که فرد کاربر از زمان و مکان خودش جدا شود، با وجود دسترسی به مطالب زیاد و متنوع از دسترسی به مطالب مهم محروم گردد، با وجود آزادی و قدرت، تحت کنترل قرار گیرد و با وجود سرگرم شدن، سطحی شود.

۳۹

۹- افول معنا

ویژگی دیگر کنش، معناداری آن است که آن هم در رویکرد تبیینی نادیده انگاشته می‌شود. توضیح این بخش را با همان مثال بازی‌های رایانه‌ای دنبال می‌کنیم. ۱- رویکرد تبیینی در مواجهه با مصرف بازی‌های رایانه‌ای توسط جوانان، صرفاً آن را مشاهده و توصیف می‌کند.

همان‌طور که مافقط می‌توانیم یک درخت یا حیوان را ببینیم و مشاهده‌اتمان را بنویسیم و نمی‌توانیم از ذهن آن مطلع شویم، در رویکرد تبیینی، انسان هم همین‌گونه می‌شود و ما فقط می‌توانیم مشاهده‌گر باشیم.

نادیده گرفتن معنای کنش

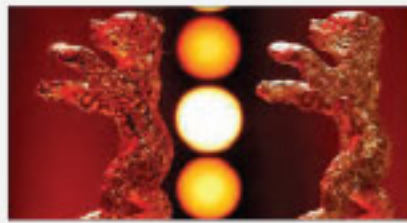
نتیجه

توصیف رفتار قابل مشاهده در رویکرد تبیینی

۲- اما گرایش به بازی توسط جوانان، پدیده‌ای خام نیست بلکه معنایی در درونش دارد. درخت، درخت است و معنایی ندارد. ولی وقتی دوست شما با شما بد اخلاقی می‌کند، این کار حتماً معنایی دارد. مثلاً می‌خواهد به شما بگوید که از رفتار شما ناراحت است یا هر چیز دیگر. بنابراین گرایش به بازی هم دارای معناست که رویکرد تبیینی به آن توجه نمی‌کند. نکته مهم این است که معنای کنش، همان عامل اصلی گرایش است.



■ جشنواره جهانی فیلم فجر هر ساله در تهران برگزار می‌شود و مهم‌ترین جشنواره سینمایی ایران است.



■ جشنواره‌های فیلم و موسیقی برای داوری بهترین‌های دنیای هنر

۱۱. تأکید بیش از حد رویکرد تبیینی بر نظم

خب دیدیم که رویکرد تبیینی چه مشکلاتی داشت. برای همین یک عده دیگر پیدا شدند که گفتند این جامعه‌شناسی تبیینی ایرادات زیادی دارد و باید به سراغ یک نوع دیگر جامعه‌شناسی برویم و اسم آن نوع جدید را گذاشته‌اند: جامعه‌شناسی تفسیری. جامعه‌شناسی تفسیری چند جزء دارد:

۱. تمرکز بر کنش اجتماعی:

زیرا مشکل رویکرد تبیینی این بود که به کنش اجتماعی و ویژگی‌های آن توجه نمی‌کرد. اما تفسیری‌ها به این نکته توجه می‌کنند.

۲. تأکید بر آگاهی و معنا:

آن‌ها از بین ویژگی‌های کنش اجتماعی، به آگاهی و معنا بیشتر علاقه دارند و می‌گویند که ویژگی‌های دیگر کنش هم توسط آگاهی و معنا به وجود می‌آیند.

۳. درجه دوم بودن اراده و ارزش:

می‌گویند اراده و ارزش هم مهم است ولی در مرتبه بعدی است و تا آگاهی و معنا نباشد، این‌ها هم نیستند.

ویژگی‌های کنش اجتماعی

مهم‌ترین	درجه دوم
آگاهی و معناداری	اراده
	ارزش (هدفمندی)

• رویکرد تبیینی:

تأکید بر ساختار و نظم اجتماعی
نادیده گرفتن کنش اجتماعی

نکته ترکیبی: ویژگی‌های کنش اجتماعی عبارت‌اند از: ارادی، آگاهانه، هدفدار بودن و معنادار بودن

پیامدهای نادیده گرفتن کنش اجتماعی:

۱. رکود اراده: نتیجه نادیده گرفتن ارادی بودن کنش اجتماعی

۲. سقوط ارزش‌ها: نتیجه نادیده گرفتن هدفدار بودن کنش اجتماعی

۳. افول معنا: نتیجه نادیده گرفتن معنادار بودن کنش اجتماعی

؟ تست

۳۱۷. کدام گزینه در تحلیل چرایی «متروکه شدن شهر بزرگ اوردوس با وجود سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت چین برای تشویق و ترغیب هزاران نفر به سکونت در آن» صحیح نیست؟
(۱) رویکرد تبیینی اغلب معنای کنش و آنچه را درون انسان می‌گذرد نادیده می‌گیرد.

(۲) حس و تجربه ابزارهای مهم شناخت علمی هستند و روش تجربی توان فهم معانی کنش انسان‌ها را دارد.

۱۱. تأکید بیش از اندازه رویکرد تبیینی بر نظم و ساختارهای اجتماعی به حذف اراده و خلاقیت، ارزش و اخلاق، آگاهی و معنا از زندگی اجتماعی می‌انجامد و شور زندگی را از انسان‌ها می‌گیرد.

برای جلوگیری از بروز چنین پیامدهایی، کنش اجتماعی مورد توجه برخی جامعه‌شناسان قرار گرفت. نظریه پردازان کنش اجتماعی، آگاهی و معناداری را **مهم‌ترین** ویژگی کنش اجتماعی می‌دانند و زندگی اجتماعی انسان را با تأکید بر آگاهی و معنا، مطالعه می‌کنند. این جامعه‌شناسان، ویژگی‌های دیگر کنش، یعنی اراده و ارزش را مهم می‌دانند ولی آنها را برخاسته از آگاهی و تابع آن می‌بینند. همین نگاه مسیر را برای عبور از جامعه‌شناسی تبیینی و روی آوردن به جامعه‌شناسی تفسیری هموار ساخت.

مقایسه کنید

به نظر شما در روابط اجتماعی، «انسان به مثابه شیء» و «انسان به مثابه آگاهی و معنا»، چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟



■ انسان در فیلم سینمایی «عصر جدید» شیء و در فیلم سینمایی «تلقین» موجودی آگاه دانسته شده است.

۴۰

(۳) کنش اجتماعی فعالیت معناداری است که با توجه به دیگری انجام می‌شود و نادیده گرفتن کنش، نادیده گرفتن ویژگی‌های آن است و پیامدهایی دارد.

(۴) انسان‌ها برخلاف پدیده‌های طبیعی آگاهانه عمل می‌کنند و عملشان معنادار است، آن‌ها در شرایط گوناگون رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند.

پاسخ: عبارت بیان‌شده بر اهمیت معنا در کنش و فهم معنا برای تحلیل کنش‌های اجتماعی اشاره می‌کند. این عبارت بیانگر این نکته است که رویکرد تبیینی و تجربی توان فهم معانی کنش‌ها و پدیده‌های اجتماعی را ندارد. بنابراین گزینه «۲» صحیح است.

۳۱۸. نظریه پردازان کنش اجتماعی و را مهم‌ترین ویژگی کنش اجتماعی می‌دانند. - نظریه پردازان کنش اجتماعی زندگی اجتماعی انسان را با تأکید بر و مطالعه می‌کنند. - انسان به مثابه و انسان به مثابه ، در روابط اجتماعی تفاوت دارند.

(۱) آگاهی - معناداری - آگاهی - معنا - شیء - آگاهی - معنا

(۲) اراده - ارزش - اراده - ارزش - شیء - آگاهی - معنا

(۳) آگاهی - معناداری - اراده - ارزش - آگاهی - هدفدار بودن - تابع آن

(۴) هدفداری - ارزش - هدفمند بودن - ارزش - ارزشمند بودن - تابع آن

پاسخ: نظریه‌پردازان کنش اجتماعی، آگاهی و معناداری را مهم‌ترین ویژگی کنش اجتماعی می‌دانند و زندگی اجتماعی انسان را با تأکید بر آگاهی و معنا مطالعه می‌کنند. انسان به مثابه شیء و انسان به مثابه آگاهی و معنا، در روابط اجتماعی تفاوت دارند. بنابراین گزینه «۱» صحیح است.



تست؟

۳۱۹. مطالعه کنش اجتماعی فقط به روش تجربی چه پیامدهایی دارد؟ (سراسری ۹۸)

- ۱) نادیده گرفتن اراده و خلاقیت - اخلاق‌گریزی - معنزدایی
- ۲) قابل مشاهده بودن همه اهداف کنشگران - معنزدایی - خلاقیت‌زدایی
- ۳) دآوری رفتارهای قابل مشاهده - سرکوب خلاقیت انسان‌ها - اخلاق‌گریزی
- ۴) عدم توجه به انگیزه و هدف - دآوری رفتارهای قابل مشاهده - نادیده گرفتن معنای کنش

پاسخ: مطالعه کنش اجتماعی به روش تجربی، منجر به نادیده گرفتن خلاقیت، اخلاق‌گریزی و از بین رفتن معنا می‌شود. بنابراین گزینه «۱» صحیح است.

۳۲۰. ماکس وبر از سلطه چه نوع نظامی به قفس آهنین تعبیر می‌کند؟

- ۱) نوعی نظم که به همراه خلاقیت موجب موفقیت انسان‌ها هستند.
- ۲) نظامی که گویا هدفی جدا از انسان‌ها و نیازهای واقعی آن‌ها دارد.
- ۳) نوعی نظم که پیامد آن اختراعات بزرگ، اندیشه‌های جدید و شاهکارهای هنری است.
- ۴) نظامی که افراد می‌دانند این نظم برای تحقق چه آرمان‌ها و ارزش‌هایی است.

پاسخ: سلطه، نظامی است که گویا هدفی جدا از انسان‌ها و نیازهای واقعی آن‌ها دارد. بنابراین گزینه «۲» صحیح است.

۳۲۱. این موضوع که فردی در مواجهه با فقر، دست به جرم می‌زند و دیگری این کار را نمی‌کند، بیان‌کننده چیست؟ چرا در جامعه‌شناسی تبیینی، ارزش بودن مهربانی و فداکاری قابل مشاهده و فهم نیست؟

- ۱) ممکن است عموم مردم چنان انگیزه‌ای پیدا کنند که آغازگر حل یک بحران جهانی شوند: همان‌طور که مقاومت مردم امرلی، سرآغاز فروپاشی داعش شد - بسیاری از کنش‌های عاطفی، هنری، اخلاقی و مذهبی با رویکرد تبیینی قابل توضیح نیستند.
- ۲) مشکلات و مسائل اجتماعی، آنچنان که به نظر می‌رسند، بیرون از دایره نفوذ و تأثیر ما نیستند و این‌گونه نیست که فقط افراد خاصی، مثل مسئولان و مدیران، بتوانند بر آن‌ها تأثیر بگذارند - رویکرد تبیینی بر آنچه مشاهده می‌شود تمرکز می‌کند و اغلب معنای کنش و آنچه درون انسان می‌گذرد را نادیده می‌گیرد.
- ۳) کنش اجتماعی خشت بنای جامعه است و تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان با کنش‌های اجتماعی پدید می‌آیند - نادیده گرفتن معنای کنش، سبب شده است که بیشتر مطالعات تبیینی به توصیف خصوصیات و رفتارهای قابل مشاهده ما محدود شوند.
- ۴) انسان‌ها برخلاف پدیده‌های طبیعی، آگاهانه عمل می‌کنند و عملشان معنادار است. آن‌ها در شرایط گوناگون، رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند - با استفاده از روش‌های تجربی نمی‌توان گفت که مهربانی یک فضیلت اخلاقی و کینه‌توزی یک ردیلت اخلاقی است.

پاسخ: اینکه انسان‌ها در شرایط یکسان، رفتارهای گوناگونی از خود بروز می‌دهند، بیانگر این نکته است که کنش انسانی، آگاهانه و معنادار است. به خاطر همین انسان‌ها در شرایط یکسان، رفتارهای گوناگونی از خود بروز می‌دهند. در جامعه‌شناسی تبیینی ارزش بودن مهربانی و فداکاری قابل تشخیص نیست: زیرا این امور از طریق مشاهده و تجربه قابل درک و فهم نیستند. بنابراین گزینه «۴» صحیح است.

خلاصه‌های نموداری

● اهمیت کنش اجتماعی:

- خشت بنای جامعه است.
- همه پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان با کنش‌های اجتماعی پدید می‌آیند.
- ساختارهای اجتماعی هرچقدر هم جاافتاده و با سابقه باشند، با کنش‌های افراد به وجود آمده‌اند و برقرارند.
- همه ما عضوی از جامعه هستیم و با کنش‌های اجتماعی خود در حفظ وضع موجود یا تغییر آن اثر می‌گذاریم.
- میزان تأثیرگذاری همه اعضای جامعه یکسان نیست.
- صاحبان برخی مشاغل و مسئولیت‌ها با کنش‌های خود نسبت به سایرین اثرگذاری بیشتری دارند.
- زندگی اجتماعی انسان و نظم همزاد یکدیگرند.
- انسان‌ها صرفاً مجریان نظم نیستند.
- انسان‌ها قادرند با توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های خود نظم اجتماعی را تغییر دهند و از مشکلات احتمالی ساختارهای اجتماعی بکاهند.
- به هر میزان که این آرمان‌ها و ارزش‌ها والاتر و انگیزه افراد برای تحقق بخشیدن به آن‌ها قوی‌تر باشد، تغییر مهم‌تری ایجاد خواهد شد.
- تبیینی‌ها اغلب معنای کنش و آنچه درون انسان می‌گذرد را نادیده می‌گیرند.

● پیامدهای نادیده گرفتن کنش اجتماعی:

- رکود اراده‌ها:
- قفس آهنین / تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی و یکسان دانستن نظم اجتماعی
- سقوط ارزش‌ها:
- با استفاده از روش‌های تجربی نمی‌توان گفت مهربانی یک فضیلت اخلاقی و کینه‌توزی ردیلت اخلاقی است.
- پیامدهای اخلاق‌گریزی:
- فاجعه هیروشیما و ناکازاکی
- افول معانی:
- توجه به عوامل قابل مشاهده
- همراهی همدلانه:
- تلاش برای فهم کنشگران

● نتایج پیامدهای تأکید بیش از اندازه بر نظم اجتماعی:

- حذف اراده و خلاقیت
- حذف ارزش و اخلاق
- حذف آگاهی و معنا